

«شهروند» از قوانین اخذ اجازه برای انجام اعمال جراحی زنان بالغ گزارش می دهد

## جراحی به شرط اجازه

مطابق قانون نیازی به اخذ رضایت برای عمل جراحی زنان بالغ از سوی سرپرستان نیست  
کادر پزشکی و درمانی مکلفند به اشخاص آسیب دیده یا شاخصی که در معرض خطر جانی قرار دارند، کمک کند



عکس: نسیم غلامحسینی / شهروند

برای جراحی فیبروم به بیمارستان مراجعه کرده بود و نیاز به عمل جراحی فوری داشت. پزشکان گفته بودند ممکن است هنگام جراحی نیاز باشد تا رحم‌ش را تخلیه کنند، برای همین باید اجازه یک‌هفته دیگر در پرونده‌اش باشد. هیچ کس نبود، تنها پرادرش هم سفر بود و نمی توانست به سرعت خود را برساند. بیمار درد داشت و باید هر چه سریع تر مداوا می شد، اما بیمارستان از انجام عمل جراحی سر باز زد. سرانجام روز عمل برادرش از سفر بازمی‌گردد و جراحی انجام می‌شود. این بی‌گامی است که یکی از کاربران شبکه اجتماعی آن را منتشر کرده و در ادامه از این شکایت دارد که چطور یک زن نمی‌تواند اختیار بدن خودش را هنگام بیماری داشته باشد؟

چندین کاربر دیگر هم در موارد متعددی از نیاز به اجازه ذکر خانواده در اعمال جراحی شکایت دارند و برای برخی هم اتفاقات ناگساری رخ داده است. خانمی که مادرش نیاز به عمل جراحی بعد از تصادف رانندگی داشته است، نوشته: «برای جراحی مادرم رضایت اتاق عمل می‌خواهند و می‌گویند باید فرزند ذکور آن را امضا کند. می‌گویم فرزند ذکور پشت فرمان ماشین بوده و سرعت بالا رفته و تصادف کرده که چنین بلایی سر مادرم آمده است. من دختر بزرگ‌شان هستم خودم امضا می‌کنم. اما گفتند نمی‌شود و حتماً باید فرزند ذکور اجازه دهد.» البته که برای تمام اعمال جراحی نیازی به اجازه قلم‌ها همسر نیست، اما در بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی

چندین کاربر دیگر هم در موارد متعددی از نیاز به اجازه ذکر خانواده در اعمال جراحی شکایت دارند و برای برخی هم اتفاقات ناگساری رخ داده است. خانمی که مادرش نیاز به عمل جراحی بعد از تصادف رانندگی داشته است، نوشته: «برای جراحی مادرم رضایت اتاق عمل می‌خواهند و می‌گویند باید فرزند ذکور آن را امضا کند. می‌گویم فرزند ذکور پشت فرمان ماشین بوده و سرعت بالا رفته و تصادف کرده که چنین بلایی سر مادرم آمده است. من دختر بزرگ‌شان هستم خودم امضا می‌کنم. اما گفتند نمی‌شود و حتماً باید فرزند ذکور اجازه دهد.» البته که برای تمام اعمال جراحی نیازی به اجازه قلم‌ها همسر نیست، اما در بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی

## جراحی‌های فوری نیاز به اخذ اجازه ندارد

متوجه پزشک مباشر نخواهد بود. متخلفان از اجرای مفاد این قانون به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.» از نکات مهم این ماده واحده آن است که تنها رضایت مادر را لازم دانسته و به رضایت پدر در این‌باره اعتنایی نکرده است که به نوعی به مواد ۱۵۸ و ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی اشاره دارد که هر شخص بالغ و رشید حق انجام اعمال درمانی بر خود را دارد، ضمن این که مسئولیت را از عهده پزشک برداشته و تنها در صورت تخلف از مفاد این قانون، پزشک را مسئول دانسته است. با عنایت به مواد فوق و مواد قانونی ملاحظه شد که زن برای انجام اعمال درمانی خود در صورت دارا بودن شرایط بلوغ و رشد نیاز به رضایت فرد دیگری ندارد و خود مستقل می‌تواند رضایت به عمل درمانی بدهد و از این نظر هیچ‌گونه مانع حقوقی وجود ندارد. حال باید دید که به چه علت مراکز درمانی هنگام مراجعه زن جهت معالجه وی، از همسر یا پدر وی رضایت‌نامه‌ای می‌خواهند؟ رضایت‌نامه و برائت‌نامه از همسر زن، ریشه دینی و فقهی داشته باشد. پس باید گفت بدون لحاظ مقررات دینی طبق حکایت اصل از راه هر فردی می‌تواند راجع به خود تصمیم‌گیری کند، بنابراین اراده مرد در درمان خویش و اراده زن در درمان خودش مؤثر است. شاید در قواعد دینی و قواعد ریاست خانواده، از خصائص شوهر دانسته است، ولی بازم هم از جسم هم را دارند، بنابراین جسم‌های آنها متعلق به حق دیگری است و از نظر فقهی نظر شوهر در درمان زن معتبر است و شاید به همین جهت در بیمارستان‌های ما رضایت شوهر اخذ می‌شود. به نظر اینجانب نقدی که بر این نظر فقهی وجود دارد این است که اگر شرایط حق بهره‌بردار از جسم هم را دارند، چرا در زمانی که مرد به انجام عمل از کتومی می‌پردازد، نیازی به اخذ رضایت از همسر وی نیست و مرد به راحتی می‌تواند رضایت به این عمل پزشکی دهد؟ مطابق ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی که به پیروی از شریعت مقدس اسلام، ریاست خانواده، از خصائص شوهر دانسته است، ولی بازم هم این ماده دلیلی بر لزوم اجازه شوهر بر همسر خود در امر درمانی نمی‌شود، چرا که مطابق نظر استادی بزرگ حقوقی ریاست شوهر بر خانواده به اجرای یک وظیفه اجتماعی شبیه‌تر است تا به اجرای حق شخصی، پس شوهر باید اختیار خود را به حفظ سلامت و استحکام خانواده به کار ببرد، و گرنه باید گفت از آن سو استفاده می‌کند و باید ممنوع شود. مطابق قواعد فقهی و حقوقی همان‌گونه که زن (با فرض دارا بودن اهلیت) در امور مالی و دارایی خود از استقلال مالی برخوردار است، در امور غیر مالی نیز دارای آزادی در شئون شخصی و بر خوردار از استقلال اجتماعی است. اما در چارچوب روابط زوجیت و امور مربوط به خانواده به موجب ریاست شوهر، موظف به پیروی از صلاح‌دید و مصلحت‌اندیشی اوست و لازم است آنچه را که شوهر به خیر و مصلحت خانواده و اعضای آن تشخیص می‌دهد، بپذیرد. نمونه بارز آن زمانی است که شوهر بیرون رفتن زن از منزل یا برخی معاشرت‌های او را به صلاح خانواده نمی‌داند یا این که نوع خاصی از اشتغال زن را منافی با مصالح و حیثیات خانوادگی تشخیص می‌دهد یا هنگامی که تدبیر و روش خاصی را در مورد تربیت فرزندان مناسب می‌یابد. بدیهی است، در این‌گونه موارد، زن باید تحت ریاست شوهر سرپرست خانواده باشد و برنامه‌ها و راهکارهای او را بپذیرد. اما تا زمانی که یکدیگر امر خانواده را سامان دهند، ناگفته نماند که شوهر نیز حق سوءاستفاده از موقعیت خود و اختیارات ناشی از آن را ندارد، زیرا منظور از ریاست مرد حفظ نظام و استحکام خانواده است. پس اگر بخواهد اقتدار خود را به منظور دیگری به کار برد و برخلاف مصالح خانواده و به قصد قدرت‌نمایی اقدامی کند و متعزز از آزادی و حقوق همسرش شود، باید منع شود. همان‌گونه که اشاره شد مرد نمی‌تواند مانع انجام اعمال درمانی همسر خود شود، به خصوص زمانی که زن دچار بیماری جدی و خطرناکی است. پس به نظر اینجانب مراکز درمانی بیشتر به دلیل برهیز و دوری از مشکلاتی که امکان دارد در آینده از طریق خانواده زن برای آن مراکز درمانی به وجود آید و آن مرکز را دچار مشکل کند، رضایت‌نامه اخذ می‌کنند، در غیر این صورت هیچ دلیل قانونی برای اخذ رضایت از همسر یا پدر آن زن وجود ندارد.

## ضرورت اخذ رضایت از بیمار در پروسه درمان

آریتا قربانی رحیم

مدرس دانشگاه



او مورد تعهد او نیست، بنابراین پزشک از زمانی مقصر شناخته می‌شود که تقصیر او به اثبات برسد. چنانچه در ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون گذار مقرر می‌دارد: «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دپه است مگر آن که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه برائت از مریض به دلیل نابلغ یا مجنون بودن او معتبر نباشد یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می‌شود.» از سباق ماده اخیر مبنای فرض تقصیر یا به تعبیری اماره تقصیر قابل استنباط است، بدین معنی که برای مسئولیت، اثبات تقصیر لازم نیست، اما پزشک می‌تواند تقصیر خود را اثبات کند، یعنی چنانچه ثابت کند مقررات پزشکی و موازین فنی را کاملاً رعایت کرده و هیچ‌هی احتیاطی نکرده و از بیمار یا ولی او نیز اخذ برائت کرده است، مسئولیت از ذمه وی بری و اثبات تقصیر به عهده زیان دیده قرار می‌گیرد.

باید توجه کرد که مهمترین وظیفه پزشک قبل از شروع درمان اخذ رضایت از بیمار است. عدم اخذ رضایت از بیمار یک خطای پزشکی است، بنابراین پزشک باید اطلاعاتی را که برای بیمار لازم است، به او ارائه داده و بیمار را از همه جوانب امر آگاه کند، تا او آگاهانه به درمان خویش رضایت دهد. البته قلمرو رضایت تا جایی است که جان بیمار به خطر نیفتد. اراده اگر چه زیربنای هر عمل حقوقی است، ولی زمانی می‌تواند مؤثر باشد که اراده‌کننده رضایت به ایجاد آن عمل حقوقی داشته باشد، اما سسوالاتی که در این‌جا مطرح است این که آیا رضایت زیان دیده عنصر تقصیر را می‌زاید و مسئولیت فاعل را از بین می‌برد یا در تقصیر مؤثر نبوده و فقط زیان دیده می‌تواند زیان‌های ناشی از تقصیر را پذیرا شده، حق خود را اسقاط کند؟ آیا پزشک می‌تواند پیش از ایراد خسارت به بیمار احتمالی قرارداد منعقد کرده و براساس آن خود را از مسئولیت ناشی از تقصیر غیر قراردادی معاف کند؟ آیا این قرارداد نافذ و معتبر است و رضایت بیمار تا چه حدودی می‌تواند در قواعد و مقررات عمومی مسئولیت مدنی اثر بگذارد؟

قرارداد عدم مسئولیت و تحدید آن به حکم عقل منعی ندارد و مغایرت آن با نظم عمومی و مقررات امری مورد تردید است و «بطلان ابراه عالم یجب» نیز در صحت آن خدشهای وارد نمی‌کند، زیرا در قرارداد عدم مسئولیت دو طرف توافق می‌کنند هرگاه در آینده شرایط تحقق مسئولیت مهیا شود، مسئولیت به وجود نیاید. پس مفاد رضایت ناظر به آینده است و با در نظر گرفتن احتمالی بودن آن، موضوع قرارداد یا شرط ضمن عقد واقع می‌شود، بنابراین قرارداد عدم مسئولیت و تحدید آن از نظر حقوقی نافذ است، مگر این که موضوع آن ضرر جسمانی، شخصیتی و اضرار عمدی باشد.

رضایت بیمار بر محدود کردن یا عدم مسئولیت باید در یک قالب معتبر حقوقی عقد یا بیع باشد تا ذینفع بتوانند در دادگاه‌ها به آن استناد کنند. اگر بیمار پیشاپیش بپذیرد که پزشک معالج و جراح او اگر قرار است در حین عمل جراحی مرتکب اشتباه و تقصیر شود، در این صورت متعهد فعل زاینباری را بپذیرفته است، پس مسئولیت فعل به شخص خاصی بر نمی‌گردد، اما به نظر می‌رسد بیمار پیش از عمل جراحی به نوعی تن به جبر داده است، چرا که او دو راه بیشتر ندارد یا این که باید رضایت نداده و با درد خود بسازد یا این که رضایت خود را اعلام کند، بنابراین بیمار از بین دو راه مجبور به انتخاب است.

اخذ رضایت و برائت یک امر مهم حقوقی در جامعه پزشکی است که طبق قانون ایران نیز تنها با رضایت شخص است که پزشک می‌تواند دست به درمان یا جراحی بزند، اما این قانون چند استثنا دارد که در زیر به شرح آنها می‌پردازیم:

### ۱- مصلحت عامه

در جایی که مصلحت عامه جامعه اقتضا می‌کند، بدون رضایت، به اسرار شخص بیمار مراجعه شود یا حتی برای درمان شخصی بدون رضایت او اقدام کنند. در این صورت حکم و متصدی جامعه مجاز است گروهی را مأمور کشف بیماری کند، هر چند که موضوع شخص به این کار رضایت نداشته باشد. این نکته در مورد بیماری‌های خطرناک و مسری که احتمال سرایت به کل جامعه را دارد، روشن‌تر است و دلیل استثنا هم رعایت مصلحت عامه اجتماع و ترجیح آن بر مصلحت و رضایت شخصی و جزئی شخص بیمار است.

### ۲- حفظ حیات مریض

در مواردی که حفظ حیات بیمار متوقف بر انجام عملیات پزشکی باشد، در این صورت نیز رضایت او در مشروعیت کار دخالت ندارد، بلکه حفظ حیات او واجب است و نیازی به رضایت او نیست.

### ۳- اعراض بیمار

در بسیاری از موارد بعد از درمان ممکن است بقایایی از اجزای بدن بیمار مثل غده یا عضو قطع شده از بیمار در محلی باقی بماند که از آن تعبیر به اعراض بیمار نسبت به آن اجزای می‌شود.

همچنین در موارد نیز نیاز به اخذ رضایت از بیمار نیست و پزشک می‌تواند نسبت به معالجه و درمان اقدام کند:

- ۱- اخذ رضایت در موارد اورژانسی، ضروری، فوری
- ۲- معاینه سلامتی فرد از نظر ابتلا به بیماری‌های مسری جهت اعلام به وزارت بهداشت
- ۳- معاینات متداول هنگام ورود به زندان، پرورشگاه و نظایر آن
- ۴- معاینه به دستور مراجع قضایی و محاکم
- ۵- معاینه مهاجران و مسافران به کشورهای گوناگون قبل از عزیمت یا در مبادی ورودی کشور، ها و قرنطینه‌ها
- ۶- معاینات بهداشتی پرسنل صنایع غذایی
- ۷- معاینات متداول استخدامی و حین خدمت
- ۸- معاینات دوره‌ای کودکان در مدارس
- ۹- معاینات ورزشکاران هنگام گزینش یا در حین بازی در تیم‌های ورزشی

### ۱۰- معاینات پزشکی قانونی

در غیر از این شرایط و در تمام مراحل درمان نیاز به کسب رضایت از بیمار است و پزشک بدون کسب رضایت از بیمار حق اقدامی را ندارد.



عکس: نسیم غلامحسینی / شهروند

ضرورت وجود پزشکان آگاه در یک جامعه بر احدی پنهان نیست. وقتی انسان سلامتی خود را از یک نعمت الهی و از بالاترین و در عین حال مجهول‌ترین مواهب زندگی است، در خطر می‌بیند، این نیاز به وضوح احساس می‌شود و در این جاست که رابطه پزشک و بیمار شکل می‌گیرد و بالتبع تعهداتی را برای هر یک در این رابطه متقابل به همراه دارد. مبرهن است که طبابت کردن مصون از خطر، خطا و اشتباه نیست، اما آنچه جای تأمل دارد، مسئولیتی است که به واسطه فعالیت حرفه‌ای برای پزشکان ایجاد می‌شود. مسئولیت پزشک یکی از مباحث تفسیر پرادر و غامض حقوق پزشکی و معادل اصطلاح ضمان طبیب در نظام فقهی است که حاوی مسئولیت مدنی و کیفری است. حرفه پزشکی از منزلت بالایی برخوردار است، بنابراین باید با توجه به اهمیت این رشته و لزوم حفظ شئونات این حرف، نحوه عملکرد آنها مورد توجه قرار گیرد و برای حرف پزشکی، نسبت به نحوه معالجه، درمان و مراقبت از بیماران، مسئولیت صحیح، منطقی و منطبق با واقعیات روز قابل شدد. منظور از مسئولیت پزشکی، مسئولیتی است که در نتیجه اعمال و اقدامات پزشکی ناشی می‌شود و منجر به ایراد صدمه و آسیب و خسارت مادی و معنوی به بیمار یا اقربای او می‌شود. این مسئولیت‌ها در ارتباط با حرف پزشکی عبارتند از:

۱- مسئولیت اخلاقی است که اهمیت این تکلیف از لحاظ شدت و ضعف، نسبت به اثری که بر بیمار یا خانواده او دارند، متفاوت است. این وظایف بسیار مختلف است و نمی‌توان تمامی آنها را احصا کرد. ذکر این نکته ضروری است که ترک بسیاری از این وظایف فقط موجب تقصیر اخلاقی است، بدون این که برای افعال آن مسئولیت حقوقی «کیفری یا مدنی» و... به دنبال داشته باشد. در واقع مسئولیت اخلاقی عبارت است از هر نوع مسئولیتی که مقنن متعزز آن نشده باشد؛ مانند مسئولیت انسان نسبت به خود یا خدای خود یا دیگری که در همین معنی و بلکه اعم از آن استعمال شده است. «کلکم مسئول عن رعیت» معنی این است، مسئولیت اخلاقی نیازی به تصریح مقنن ندارد و بالتبع، ضمانت اجرای قانونی ندارد و علی‌الاصول مجازاتی را در دنیا برای شخص ایجاد نمی‌کند، در نتیجه فرد دارای این مسئولیت، در صورت عدم رعایت ضوابط مربوطه، علی‌القاعده در نزد وجدان خویش، خود را عاصی و شرمسار می‌داند.

۲- مسئولیت قانونی یا حقوقی است که «مسئولیت قانونی، مستلزم ظهور خارجی اندیشه، به صورت فعل یا ترک فعلی است که همراه با ضرر و زیان باشد که ورود ضرر شرط تحقق آن است.» مسئولیت قانونی به سه دسته مسئولیت تنظیمی، مدنی و کیفری تقسیم می‌شود که در مسئولیت مدنی، این حکم به عنوان قاعده پذیرفته شده است که «هر کس به دیگری خسارتی زند نماید آن را جبران کند». برخلاف مسئولیت کیفری، در مسئولیت مدنی نیازی نیست که برای هر مسئولیت، مبنای قانونی ویژه به دست آورد. معیار اصلی برای شناسایی مسئول، داوری عرف است و رویه قضایی و اندیشه‌های حقوقی می‌توانند تقصیری ناشناخته مانند تقصیر سازمانی یا گروهی، به وجود آوردن یا بعضاً آن را مفرض دارند.

مسئولیت مدنی به دو شاخه قهری و قراردادی تقسیم می‌شود. مسئولیت قهری به نقض تعهدات قانونی یا عرفی شخص در صحنه اجتماع اختصاص دارد، اما مسئولیت قراردادی به جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات قراردادی مربوط می‌شود. مفهوم و نقش تقصیر در این نوع مسئولیت‌ها از جمله مسائلی است که همواره مورد اختلاف حقوقدانان بوده است.

برای تحقق مسئولیت قراردادی صاحبان حرف پزشکی چند شرط لازم است:

### ۱- وجود قرارداد

با بین زیان دیده و عامل ورود ضرر، قرارداد نافذی حکومت کند. البته منظور از قرارداد، عقدی صحیح و معتبر است که بین متخلف از انجام تعهد و متعهدله منعقد شده، اعم از این که کتبی یا شفاهی باشد. مسئولیت قراردادی، نتیجه تخلف از انجام قرارداد است؛ خواه تخلف مزبور، خودداری از صلحت تعهد باشد یا تأخیر در انجام تعهد نسبت به زمان مقرر. بنابراین اگر صاحبان حرف پزشکی و وابسته به موجب نصوص قانونی یا در حسب دستور دولت یا متصدیان ذریبط در مواقعی نظیر حوادث طبیعی و جنگ و امثال ذلک یا برای کمک به افراد حادثه‌دیده - مانند حوادث آتشی و بلایای طبیعی - فرایند درمان را شروع کنند، به علت فقدان قرارداد بین آنها و بیمار یا اقربای او، مسئولیت صاحبان حرف پزشکی و وابسته، علی‌القاعده از بُعد الزامات خارج از قرارداد بررسی خواهد شد.

### ۲- تخلف از انجام تعهد قراردادی

تخلف از انجام تعهد یا عدم‌اجرای به‌موقع آن به دو شکل قابل تصور است: نخست آن که بعد از وقوع تخلف متعهد، انجام تعهد غیر ممکن می‌شود و دوم آن که با وجود تخلف مزبور، انجام تعهد باز هم ممکن است. مع هذا، انجام تعهد به تأخیر افتاده است که در اصطلاح خاص به مسئولیت نوع نخست، مسئولیت عدم انجام تعهد و به نوع دوم، مسئولیت تأخیر در انجام تعهد می‌گویند. در تمیز این نوع از مسئولیت قراردادی، عنصر زمان به‌عنوان یکی از شرایط تعهد، حایز اهمیت است، زیرا در برخی موارد، زمان در حقیقت جزئی از موضوع تعهد را تشکیل می‌دهد که از آن به‌عنوان وحدت مطلوب و تعدد مطلوب یاد می‌کنند.

در رابطه با صاحبان حرف پزشکی هم، وضع به همین ترتیب و اصول و مبنای مسئولیت قراردادی در رابطه با آنها نیز صادق و حاکم است. از این‌رو حرفه پزشکی با حیات بشر سر و کار دارد، پس با توجه به اهمیت موضوع، شغل مهمی به شمار می‌رود و از نظر حقوقی نیز مباحث بالارزش، اخلاقی و جنجالی دارد.

با مطالعه قانون مجازات اسلامی و بررسی مواد مربوط به مسئولیت مدنی مشاهده می‌کنیم که قانون گذار مبنای تقصیر مفروض را در مسئولیت پزشک پذیرفته است. بدان معنا که مسئول فرض پزشک را مسئول فرض می‌کند مگر آن که خلاف آن ثابت شود و عدم تقصیر او به اثبات برسد. با پذیرش نظریه تقصیر در مورد مسئولیت مدنی پزشک، قانون مبتنی بر این فکر قرار می‌گیرد که اصولاً تعهد پزشک را باید تعهد به فعل دانست، نه تعهد به نتیجه، یعنی پزشک به موجب قرارداد یا قانون متعهد است بیمار را با رعایت موازین پزشکی مداوا کند و کوشش و مهارت خود را برای آن در مان او به کار بگیرد، اما درمان قطعی بیمار در اختیار